

اصلاحات در آموزش و پرورش

سید احمد زرهانی

اصلاحات شامل چه مواردی است و از کجا آغاز می‌شود و به کجا می‌انجامد؟

به نظر می‌رسد که اگر اصلاحات ناظر به آسیب‌شناسی و شناخت کاستی‌ها تحقق یابد، بازده مطلوبی خواهد داشت. یعنی نظام آموزش و پرورش پس از اصلاحات چهره‌ای درخشان‌تر می‌گیرد و ضریب بهره‌وری از سرمایه‌گذاری مشترک مردم و دولت افزایش می‌یابد.

امروزه در محافل فرهنگی و آموزشی سخن از اهمیت اصلاحات در آموزش و پرورش به میان می‌آید و گروهی از صاحب‌نظران به تدوین منشور اصلاحات در نظام تعلیم و تربیت کشور کمر همت بسته‌اند. بسیاری از معلمان و اولیا می‌پرسند هدف از این برنامه چیست؟



اصلی‌ترین قلمرو اصلاحات در آموزش و پرورش کجاست؟

مدرسه اصلی‌ترین قلمرو اصلاحات در آموزش و پرورش است. یعنی باید ابتدا از سلامت و کارایی سلول پیکرهٔ تعلیم و تربیت که همان مدرسه است، اطمینان حاصل کرد و بعد به سراغ سایر بخش‌های این دستگاه عظیم فرهنگی رفت. از این رو باید گروه زیادی از جامعه‌شناسان پرورشی، روان‌شناسان، متخصصان تعلیم و تربیت و معلمان ورزیده با برنامه‌ریزی منظم به کاوش در سازوکارهای مدارس ایران و عملکرد آن‌ها پردازند و جامعه را در جریان نتایج مطالعات خود قرار داده، براساس آن دستاوردها به دولت و مردم راه کارهای مناسب نشان دهند. پس تحقیق در وضع موجود مدارس و شناخت ضعف‌ها و قوت‌ها و اهتمام در بهبود سبک‌های مدرسه‌داری به منزلهٔ گوهر اصلاحات در آموزش و پرورش ایران است. اگر اصلاحات از مدرسه شروع نشود، احتمال هرز رفتن سرمایه‌ها و اتلاف منابع مالی و انسانی بالاست و خطر بحران هویت و انحطاط فرهنگی جامعه را تهدید خواهد کرد. اگر آموزش و پرورش را از یک زاویه، ایجاد شناخت و تنظیم نگرش، تعدیل جاذبه و دافعه و افزایش توانایی و کارایی در افراد بدانیم؛ باید انتظار داشته باشیم که دانش‌آموختگان مدارس پس از گذراندن ۱۲ سال در کلاس‌های درس به این ویژگی‌ها دسترسی پیدا کنند:

۱- دارای دانش و آگاهی در حوزهٔ علوم و معارف باشند.

۲- از رشد اجتماعی و عاطفی و قدرت تعقل و تفکر مناسبی برخوردار باشند.

۳- مهارت‌های زندگی و مهارت‌های حرفه‌ای کارآمدی کسب کرده باشند، یعنی بتوانند به عنوان شهروند، وظایف فردی و اجتماعی خود را بشناسند و انجام دهند و متناسب با فناوری رایج در جامعه از کفایت و توانایی لازم برای پیوستن به بازار کار یا ادامهٔ تحصیل برخوردار باشند.

با این توصیف، مدرسه مراحل رشد دانش‌آموزان را با کمک خانه و جامعه تسهیل می‌کند و به موازات انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها به پرورش عقلی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی کودکان و نوجوانان می‌پردازد. اگر نگاهی به نیم رخ مسائل اجتماعی ایران امروز بیفکنیم، بدون تردید خطوط نگران‌کننده‌ای از رفتارهای نابهنجار در پیش روی خود می‌بینیم که تراکم و تداوم آن‌ها مخلّ تعادل جامعه و مقدمهٔ درهم شکستن معیارها و ارزش‌ها قلمداد می‌گردد. طبیعی است که همهٔ این مشکلات برخاسته از کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت نیست و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، قضایی و فرهنگی و هم چنین پدیده‌هایی از قبیل جهانی شدن، رشد فناوری اطلاعات و توسعهٔ ارتباطات الکترونیک در پدیدآیی این فرایند سهیم‌اند. لیکن بدون تردید اصلاح نظام مدرسه‌داری و بهبود روند تعلیم و تربیت نقش مؤثری در کاهش این آلام و مهار نابهنجاری‌های اجتماعی دارد.

مدرسه بعد از کانون خانواده مهدپرورش استعدادها، مرکز تمرین آداب اجتماعی، کانون بروز خلاقیت‌ها و کارگاه ساختن شخصیت نسل‌هاست. اگر مدرسه معیوب و نارسا باشد خروجی آن غالباً نامطلوب خواهد بود. اما دولت، مردم و نهادهای مدنی به چه میزان روی

دانش‌آموزان باید از ساختار و رفتاری منطقی و سازنده برخوردار گردند و دوره‌های بعد نیز همان روال را تداوم دهند. اکنون به ذکر برخی از زمینه‌ها و لوازم تحول و اصلاح در آموزش و پرورش می‌پردازیم، به این امید که با همت بلند اهل فن دامنه این مباحث باز شود و ذهن مدیران جامعه و مردم بیش از پیش به اصلاحات در آموزش و پرورش معطوف گردد.

۱- تأکید بر رشد جامع و متوازن شخصیت کودک: ^۱

مدارس ابتدایی در وهله اول و سایر مدارس در مراحل بعدی باید به رشد جامع شخصیت دانش‌آموزان بیندیشند و متناسب با ابعاد رشدپذیری آنان در عرصه‌های عقلی، علمی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و مذهبی برنامه‌ریزی کنند. یکی از عیوب نظام آموزشی ما تأکید بر اندوختن معلومات در ذهن و پرورش‌های پی در پی از دانش‌آموزان درباره نحوه تراکم آن اطلاعات است. کسب دانش یکی از مراحل فرایند تعلیم و تربیت است، ولی همه آن نیست. استمرار این روند دلهره آفرین تا پایان دوره دبیرستان، از ذهن دانش‌آموزان یک انبار از اطلاعات فرّار می‌سازد که در مراحل بعدی زندگی بعضاً بی‌ارزش می‌شوند و به منزله یک سرمایه مهم در زندگی او به شمار نمی‌آیند. بازسازی برنامه آموزشی و برنامه درسی در جهت رشد جامع شخصیت دانش‌آموزان و همچنین آموزش معلمان برای پرداختن به این کار از اهمیت بالایی برخوردار است و باید در کانون توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دستگاه تعلیم و تربیت قرار گیرد. هر مدرسه اساساً باید برپایه برنامه آموزشی

مسائل اساسی مدرسه مطالعه می‌کنند؟ چند کتاب درباره سبک‌های جدید مدرسه داری تألیف شده است؟ معلمان در تأمین محتوای آموزش و پرورش چه نقشی دارند؟ آموزش و پرورش چگونه از عملکرد مدارس در ابعاد رشد علمی، عقلی، عاطفی و اجتماعی ارزیابی می‌کند؟ دولت برای حمایت از مدارس خلاق، پیشتاز و نوآور چه برنامه‌ای دارد؟ معلمان چه آموزش‌هایی می‌بینند؟ رضایت شغلی معلمان به چه میزان است؟ کدام نهاد باید جشنواره سبک‌های مدرسه‌داری پیشرفته را برگزار کند؟ پیدا کردن پاسخ‌های روشن برای این پرسش‌ها و سؤالات مشابه دیگر از وظایف نهادهای پژوهشی است که می‌توانند با دید علمی در شناخت مسائل اساسی آموزش و پرورش اهتمام ورزند و با کمک رسانه‌های جمعی، مدیران ارشد جامعه و اولیا را هم‌راه حساس و با انگیزه نگاه دارند. فراموش کردن مدرسه مساوی با نادیده انگاشتن آینده کشور است. در کشور با فرهنگ ما بیش از یک صد هزار مدرسه وجود دارد که برخی از آن‌ها همسنگ مدارس پیشرفته اروپایی‌اند و برخی از آن‌ها در حد مدارس عقب افتاده کشورهای آفریقایی درجا می‌زنند و بازده چندانی ندارند. پای بندی به اصل عدالت که وجه ممتاز فرهنگ اسلامی است، اقتضا می‌کند که گامی در جهت ارتقای مدارس دولتی، بالاخص در مناطق توسعه نیافته برداشته شود و این کار مستلزم انجام مطالعات و پیدا کردن راه کارهای عقلانی و قابل پی‌موردن است. اصلاحات باید از مدارس ابتدایی آغاز شود و تا پایان دوره دبیرستان استمرار یابد. یعنی مدرسه ابتدایی به منزله اولین محل شکوفایی استعدادهای

جایگاه معتبری برای تحقق رشد همه جانبه شخصیت کودکان و نوجوانان برخوردار باشند. معلمان باید ضمن توجه به تفاوت‌های فردی، به همه افراد توجه کنند و کل شاگردان کلاس^۲ را آموزش دهند و با ایجاد انعطاف در برنامه آموزشی، دانش‌آموزان را با واقعیت‌های اجتماعی و تحولات دنیای امروز آشنا سازند. دانش‌آموزان باید از فرصت فعالیت‌های گروهی و مشارکت در رهبری آموزشی بهره‌مند گردند و در فضایی شاداب و آزاد مجال اظهار نظر داشته باشند. یکی از زمینه‌های مناسب برای رشد جامع شخصیت دانش‌آموزان، فراهم آوردن فرصت تحقیق برای آنان در امور گوناگون درسی و اجتماعی است. آنان باید در دوره ابتدایی مهارت پژوهش‌های ساده را فراگیرند و با مراجعه به کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها و گفت‌وگو با بزرگ‌ترها حقایق مربوط به چند موضوع را به دست آورند و به ازای کاوش‌های خود مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند. کودکان و نوجوانان اگر در تولید معلومات و اطلاعات خواه از طریق کتابخانه و خواه از راه اینترنت یا با روش مصاحبه مهارت پیدا کنند، به تدریج از قوه تعقل و تفکر غنی‌تری برخوردار می‌شوند و فن تحقیق را در مرحله بعد در پهنه وسیع‌تری می‌آموزند و به کار می‌گیرند. در جامعه ما نوعی درگیری ملال‌آور بین اصحاب عقاید سیاسی و جناح‌ها رواج دارد که هر روز ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند. نخبگان ما که بعضاً در مراکز حساس قوای سه‌گانه فعالیت می‌کنند با هم اصطکاک‌های زیادی دارند و به همدیگر تعرض می‌کنند. این عارضه مربوط به فقدان تمرین مردم‌سالاری دینی در مناسبات اجتماعی ما در گذشته است. مدرسه با تأکید بر



متعارف دست به ابتکار بزند و برنامه‌ای برای تعلیم و تربیت همه جانبه دانش‌آموزان طراحی و اجرا کند. موضوعاتی از قبیل تئاتر، گردش دسته‌جمعی و بازدید، سرود، ورزش، مسابقات هنری و ادبی، اداره امور کتابخانه، نمازخانه و آزمایشگاه، برگزاری جلسات نقد و بررسی رویدادهای آموزشی و اجتماعی، انتشار روزنامه مدرسه، سفر و اردوهای تفریحی و سازندگی و مشارکت در امور خیر و انسان‌دوستانه باید در برنامه کار مدارس از



پیشرفت کشور و زادگاه خود تلاش می‌کنند، به میثاق‌های اجتماعی، حقوق والدین، قوانین و مقررات جامعه التزام نشان می‌دهند و با حس نوع دوستی، در انجام امور خیر مشارکت می‌کنند. این ویژگی‌ها گوهر تعالیم همه معلمان و روح حاکم بر مجموعه فعالیت‌های تربیتی در مدارس مذکور است. درحقیقت تربیت اخلاقی آماحصل همه کوشش‌های برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت و معلمان است و از دل فعالیت‌های آموزشی هدفدار بر می‌خیزد. مدارس پای بند به رشد همه جانبه شخصیت، برخوردار از ادبیات آمیخته با کرامت و

رشد متوازن و جامع شخصیت می‌تواند محل مناسبی برای تمرین رفتارهای مدنی و آموزش اخلاق نقد باشد و آداب شهروندی را به فرزندان ما تعلیم دهد.

مدارس پای بند به رشد همه جانبه شخصیت به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که دانش‌آموزان مجال شناخت خود را پیدا می‌کنند و نسبت به دیگران احساس مسئولیت و اعتماد به دست می‌آورند. هم‌چنین رابطه خود را با خدا بر اساس عبادت و نیایش برقرار می‌سازند، به محیط زیست توجه می‌کنند و طبیعت را به منزله خانه مردم پاک نگاه می‌دارند، برای

محبت‌اند و دانش‌آموز را به عنوان انسان می‌پذیرند و با مسالمت، احسان و اغماض در جهت رفع کاستی‌های او می‌کوشند. معلمان این مدارس می‌دانند که شأن پیامبری دارند و رسولان الهی خشن و غلیظ‌القلب نبودند،^۲ بلکه با رحمت و نرمش مردم را به دین خدا فرا می‌خواندند و در راه تکمیل مکارم اخلاق آنان کوشش می‌کردند. تشویق و تنبیه در این مدارس با روش علمی و در جهت شکوفایی و پرورش استعداد کودکان و نوجوانان و با رعایت موازین روان‌شناسی رشد اعمال می‌شود و از شدت عمل بی‌جا و تحقیر اجتناب می‌گردد. فضای مدارس، اعتماد آفرین و شاداب و پاسخگوی نیازهای روانی دانش‌آموزان است و آنان از حضور در مدرسه لذت می‌برند و در چرخه رقابتی معقول برای نشان دادن قابلیت‌های خود فعالیت می‌کنند. در این مدارس سازوکارهای مشارکت اولیا، معلمان و دانش‌آموزان به خوبی تعریف شده است و هرکس از ایفای نقش خود راضی است.

۲- برخورداری مدارس از استقلال نسبی و موقعیت اداری و آموزشی مناسب:

مبانی حقوقی ایجاد مدارس و ساختار آنها نقش مهمی در کارکردشان دارد. اگر در جامعه‌ای مدرسه بی‌قدرت و ناقص تعریف شود بناچار دانش‌آموختگان ضعیفی تحویل می‌دهد و نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و توسعه هنجارها و آموزش مهارت‌ها ایفا نمی‌کند. بیش از صد سال است که مدارس جدید در ایران رواج یافته‌اند و نسل‌ها یک بار دیگر از بطن این نهادهای تربیتی متولد می‌شوند و این "تولد دیگر" زمانی کارساز

است که مدارس از شرایط مناسبی برخوردار باشند و برای بازآفرینی اخلاق و فرهنگ جامعه و توسعه علم قابلیت شایانی بروز دهند و شهروندان شایسته‌ای به جامعه تقدیم دارند. از این رو کالبد شکافی مدارس ایران اهمیت زیادی دارد و متخصصان و صاحب‌نظران باید با دقت ساختار مدارس و گردش کار آنها را مطالعه کنند و الگوهای جدیدی بر وفق دستاوردهای جهانی تعلیم و تربیت برای تأسیس مدارس عرضه دارند و روش‌های کهنه و فرسوده را کنار بگذارند. مدرسه، جامعه کوچکی است که معماری جامعه بزرگ را بر عهده دارد و اگر واجد استحکام نباشد از پرورش شخصیت دانش‌آموزان فرو می‌ماند. بنابراین به نظر می‌رسد متناسب با مسائل عصر ما، که دوران تحولات اساسی و عصر ظهور فناوری اطلاعات است، باید قانون کار آمدی برای ایجاد و اداره مدارس تصویب کرد و حقوق جدیدی برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت تعریف نمود. اصلاحات در کالبد مدرسه باید موقعیت‌های جدیدی برای این نهاد به ارمغان بیاورد که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱- مدارس باید دارای استقلال نسبی باشند: در شرایط جاری، مدارس با بخش‌نامه‌های بی‌درپی زیر فشار دفاتر ستادی، استانی و منطقه‌ای آهسته آهسته و با احتیاط به جلو می‌روند و گاهی هم در جای خود می‌خکوب می‌شوند. مدرسه باید با برخورداری از مغز متفکر و برنامه‌ریز و بر اساس یک منشور تربیتی در تنظیم برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی نقش اساسی داشته باشد و بدون امر و

موجود، جامعه ما استعداد آفرینش مدارس جدید با سازوکارهای متفاوت را دارد. قانون شوراهای آموزش و پرورش تا حد زیادی بستر این رویدادها را فراهم آورده و منابع مدارس را متنوع و چندگانه نموده است. متحول کردن همه مدارس فقط با ایجاد و تصویب قوانین نو امکان پذیر نیست، اما با تصویب قوانین مناسب و فراهم کردن بسترهای تمرین و تحول، می توان طی یک دوره گذار به تدریج میدان عمل و قدرت مدارس را غنی تر کرد و آنها را به ایستادن بر روی پای خویش عادت داد. باید در پرتویک راهبرد روشن ابعاد جدید مدرسه داری را ترسیم کرد و مدیران و معلمان ورزیده را آرام آرام به میدان کار فرا خواند و رشته ابتکار را به دست توانای آنان سپرد. اگر امروز همه ما نگران اتلاف صدها میلیارد تومان از منابع ملی در اثر تکرار پایه و افت تحصیلی هستیم، چرا جرئت نمی کنیم بخشی از همین منابع را قبل از سوختن در دسترس مدیران قرار دهیم تا با اتخاذ شیوه های تشویقی و جبرانی و ترغیب خانواده ها، دانش آموزان و معلمان به نبرد با این پدیده بروند و افت آموزشی را کاهش دهند؟ اگر امروز به هر علت زیر بار استخدام و پرداخت حقوق توسط مدارس نمی رویم، حداقل دست مدارس را باز بگذاریم تا برای توسعه فعالیت های حرفه ای و آموزش مهارت ها و مهارت افت تحصیلی و کاهش تکرار پایه و جلوگیری از روند نگران کننده ترک تحصیل حق پرداخت پاداش و کارانه داشته باشند و در پرتو مدیریت خلاق و با حسن ابتکار از حالت رکود خارج شوند.

۲-۴- مدارس باید با حمایت دولت، شورای

نهی دیگران، با دید باز به سوی تحقق اهداف رفتاری و علمی حرکت کنند. مدارس بخش نامه ای باید جای خود را به مدارس با کفایت و مستقل بدهند و با رعایت استانداردها در راه نیل به آینده ای روشن، با اعتماد به نفس و اقتدار گام بردارند.

۲-۲- مدارس باید از مدیران با ثبات و توانا

بهره مند گردند:

هر کس می خواهد مدیر مدرسه شود باید برنامه ای را به اداره آموزش و پرورش ارائه کند و کارشناسان و متخصصان از بین داوطلبان سمت مدیریت، کسی را برگزینند که برنامه کارآمدتر و کارنامه درخشان تری داشته باشد. آنان می توانند با معلمان همان مدرسه رای زنی کنند و با مشورت و نظر کارشناسی آنان برای داوطلب برتر ابلاغ صادر کنند. این شیوه با فرهنگ مردم سالاری انطباق بیش تری دارد و به اصل شایسته سالاری هم قوت می بخشد. وقتی مدیر مدرسه انتخاب شد نباید با تغییر رئیس اداره آموزش و پرورش در معرض عزل قرار گیرد، بلکه باید برای او حکم مدیریت به مدت چهار تا پنج سال صادر گردد و بعد از اتمام دوره مدیریت، در صورت احراز شایستگی و ابراز توانمندی، دوران تصدی او تمدید شود.

۲-۳- مدارس باید از حق استخدام و پرداخت

حقوق و پاداش به معلمان برخوردار شوند:

هر چند به موجب قانون استخدام کشوری و مقررات جاری، اندیشه استخدام و پرداخت حقوق توسط مدارس دولتی به سادگی تحقق نمی یابد، ولی تجربه اجرای قانون مدارس غیرانتفاعی نشان می دهد که با تحول در قوانین

آموزش و پرورش و انجمن اولیا و مربیان قادر به تأمین رضایت شغلی معلمان باشند.

رضایت شغلی اعجاز می‌کند. کسانی که طعم شیرین زندگی در محیط کار را می‌چشند با بالندگی بیش‌تری در خدمت سازمان متبوع خویش اند. اگر معلمان جامعه در زیر خط فقر زندگی کنند و خسته و ناراضی وارد مدارس شوند قادر به توسعه ارزش‌ها و هنجارها و آفرینش فرهنگ و رشد علم نخواهند بود. اگر



دولت ارزش پول ملی را حفظ می‌کرد، جلو رشد تورم را می‌گرفت و فقر خزانه را به کارکنان خود منتقل نمی‌نمود، شاید مسئله‌ای به نام فقر معلم مطرح نمی‌گردید و آموزش و پرورش با فراز و نشیب مواجه نمی‌شد. اکنون که این مشکل پیش آمده است باید با حسن تدبیر در راه حل آن اهتمام کرد و معماران توسعه کشور یعنی معلمان را از فشارهای اقتصادی، حتی المقدور ایمن ساخت. اگر حقوق معلمان در سطح سایر کارکنان دولت افزایش یابد، بهتر است که درآمد شوراهای آموزش و پرورش برای افزایش رفاه معلمان و بهبود گردش کار مدارس هزینه شود و کمک‌های انجمن‌های اولیا و مربیان نیز برای ارتقای فناوری آموزشی مدارس مصرف گردد. در حقیقت شورای آموزش و پرورش هر استان با ابتکار خود راه‌هایی را برای رفاه معلمان در پیش می‌گیرد و به خدمات جانبی آنان می‌افزاید. حذف مالیات بر درآمد معلمان هم کارساز است.

۲-۵- مدارس باید از فناوری اطلاعات

برخوردار باشند:

در جهان معاصر مدارس مجازی عهده‌دار آموزش الکترونیکی‌اند و دانش‌آموزان از طریق اینترنت در معرض اطلاعات وسیعی قرار می‌گیرند. باید مدارس را در آغاز قرن بیست و یکم مجهز به اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی داخلی کرد و به دانش‌آموزان فرصت داد تا به تدریج از همان دوره ابتدایی زبان انگلیسی را یاد بگیرند، با کامپیوتر کار کنند و برای تحقیق از مهارت استفاده از اینترنت و اینترنت آگاهی به دست آورند. رشد وسایل ارتباطی الکترونیک به گونه‌ای است که اقصی نقاط دنیا را به هم

اصلی‌ترین کانون مشارکت مردم و دولت در عرصهٔ تعلیم و تربیت، از جایگاه معتبرتری برخوردار شود و در سرنوشت علمی و تربیتی مدارس تأثیرگذارتر گردد.

۲-۷- مدارس باید پرچمدار حفظ هویت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی باشند:

در ساختار و خاستگاه حقوقی نظام مدرسه‌داری باید بر جهت‌گیری کانون‌های تعلیم و تربیت در راستای ارزش‌های اسلامی و حفظ هویت ملی دانش‌آموزان تأکید شود و عملاً مدارس ناشر فرهنگ دینی و مروج زبان و ادب فارسی و اخلاق و منش ایرانی باشند. فرهنگ ملی ما ریشه در تاریخ چند هزار سالهٔ ایران و پیوند ناگسستنی با جهان بینی توحیدی و معارف الهی دارد. بحران هویت، حاصل تهاجم فرهنگی و در هم شکستن هنجارها و ارزش‌هاست. مدارس به منزلهٔ نهادهای فرهنگ‌ساز و اندیشه‌آفرین می‌توانند با روشن نگاه داشتن مشعل فرهنگ ملی و دینی پرافتخارمان، راه آیندهٔ نوجوانان را روشن سازند. وجود اعتماد متقابل بین معلمان و مدیران ارشد جامعه پستوانه‌ای برای هم‌دستانان در تدوین و ترویج ارزش‌ها، پرکردن شکاف بین‌نسل‌ها و استمرار جویبار هویت روشن ایرانی در بستر تاریخ است.

۲-۸- مدارس جدید باید در برگزاری دوره‌های آموزشی معلمان نقش داشته باشند:

تدوین سیاست‌های کلی آموزش از وظایف دفاتر ستادی وزارت آموزش و پرورش است. اما مدارس می‌توانند با مشورت معلمان و استفاده از امکانات علمی مراکز آموزش عالی و

نزدیک می‌کند و همه چیز را در دسترس همه قرار می‌دهد. روش‌های باز دارنده در برابر این پدیده، عملاً در گذشته مؤثر نبوده است و اسلاف کامپیوتر اگر چند صباحی مقهور واقع شده‌اند، به تدریج پس از مدتی جا افتاده‌اند و امروز از لوازم عادی زندگی مردم به شمار می‌آیند. پس باید به مدارس مستقل این فرصت را داد تا به کمک اولیا و با حمایت دولت دسترسی به شبکه، سخت افزار و اطلاعات و فناوری روز پیدا کنند و دانش‌آموزان را با هدایت معلمان دلسوز به استفادهٔ سالم و نظارت شده از این ابزار آشنا سازند.

۲-۶- مدارس باید از سازوکارهای مشارکتی کارآمد برخوردار گردند:

در مدارس جدید باید حدود مشارکت دانش‌آموزان روشن شود و میدان مناسبی برای حضور انجمن‌های دینی، علمی، ورزشی و هنری در مدارس ترسیم گردد. اگر امروز دانش‌آموزان فرصت انتخاب کردن و انتخاب شدن به دست آورند، با آهنگ انتقاد مفید آشنا شوند و فرهنگ مردم سالاری را بیاموزند فردا با مهارت و پیشینهٔ غنی‌تری وارد جامعه می‌شوند و از عهدهٔ تکالیف شهروندی خویش بر می‌آیند. باید حدود مشارکت را روشن کرد و مدیران مدارس را برای تحکیم پایهٔ مشارکت مجهز به دانش و بینش نو کرد. هم چنین باید راه کارهای مناسبی برای ارتقای سطح مشارکت فکری و عملی معلمان و پدران و مادران در تمثیت امور مدارس پیدا کرد و از توانایی و دانایی آنان در حل مشکلات مدارس بهره جست. انجمن اولیا و مربیان باید در بازنویسی قوانین جدید آموزش و پرورش به عنوان

و معلمان حق داشته باشند در چارچوب سیاست آموزشی دولت، روی آموخته‌های خارج از مدرسه دانش‌آموزان محاسبه کنند و حتی از وجود مراکز آموزش موازی سالم در جهت کاستن بار تصدی دولت و افزایش مشارکت مردم استقبال کنند. ایجاد دروس اختیاری و افزایش واحدهای عملی و مهارتی در برنامه درسی و بها دادن به سواد کامپیوتری زمینه‌ساز تشریک مساعی مراکز آموزشی خارج مدرسه و تشویق خانواده‌ها برای آموزش فرزندان خود با استفاده از امکانات بیرون از مدرسه است.

۲-۱۰- مدارس باید با دید علمی بازرسی شوند: در چارچوب قوانین جدید باید ادارات آموزش و پرورش کوچک شوند و نقش تدارکاتی خود را از دست داده، به مدارس واگذار کنند. وقتی هر مدرسه‌ای اعتباری دارد و مجاز به هزینه است، دیگر نیازمند نمایندگان گوناگونی از اداره آموزش و پرورش برای تمشیت امور جاری خود نیست و احتیاجی به بخش‌نامه‌های پی‌درپی ندارد. بهتر است وزارت آموزش و پرورش با روش علمی استانداردها را تعریف کند و در هر اداره آموزش و پرورش از وجود چند بازرس تحصیل کرده و کارشناس برای نظارت بر حسن اجرای استانداردهای تربیتی و آموزشی استفاده کند. بازرسان متخصص و صالح‌مچ‌گیری نمی‌کنند و با رعایت موازین تعلیم و تربیت برای اصلاح امور مدارس راه کار نشان می‌دهند و با تعامل فکری با معلمان و مدیران گردش کار مدارس را بهبود می‌بخشند. رفاه و دانش بازرسان پشتوانه‌ای برای تضمین سلامت بازرسی است.



متناسب با نیازها و کاستی‌ها مبادرت به برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت کنند.

۲-۹- مدارس باید برای آموزش‌های خارج از مدرسه ارزش قائل شوند: برنامه کار مدارس باید انعطاف پذیرتر شود

توسعه دامنۀ خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها، حل مسائل، تأمین منابع و گسترش دایرۀ مشارکت اولیا فعالیت می‌کند. پایه‌های این حرکت بهتر است بر اساس بصیرت فرهنگی و به صورت داوطلبانه ایجاد گردد و بعد از استحکام، زمینۀ گسترش این برنامه در ابعاد ملی فراهم شود. مدارس برخوردار از هیأت امنای طبعاً از قدرت و استقلال بیشتری برخوردارند و می‌توانند به دامنۀ فعالیت‌های خود با توافق اولیا وسعت بخشند.

۲-۱۲- مدارس جدید باید توانایی بیشتری برای حضور تمام وقت معلمان در محل کار خود داشته باشند:

فشارهای اقتصادی معلمان را وادار به تقبل

۲-۱۱- برخی از مدارس را باید به هیأت امنای سپرد:

در اصلاح قوانین و خاستگاه حقوقی مدارس باید به اصل سپردن کار مردم به مردم عنایت شود. امروزه در پهنۀ ایران اسلامی هزاران انسان فرهیخته و صالح وجود دارند که می‌توانند در سامان دهی نظام تعلیم و تربیت کشور زیر بار مسئولیت روند و بخشی از وقت خود را در راه بهبود آموزش و پرورش به کار گیرند. باید انعطاف قوانین به گونه‌ای باشد که وزارت آموزش و پرورش بر اساس سازوکار حقوقی روشنی مجاز به واگذاری تعدادی از مدارس دولتی به هیأت امنای در هر منطقه باشد. هیأت امنای بر اساس شرح وظایف در جهت



مباحث نظری، با واقعیت‌های هر علم آشنا می‌شوند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر این باورند که در و دیوار باکودکان و نوجوانان سخن می‌گویند و دانش‌آموزان از پیام‌های تعبیه شده در محیط الهام می‌گیرند. از این رو باید مدارس را آراست و با حسن تدبیر و با استفاده از روش‌های دلیپذیر هنری بخشی از مفاهیم آموزشی را در آرایش کلاس‌های درس جاسازی کرد تا دانش‌آموزان با برقراری ارتباط با محیط به طور نامحسوس و غیرمستقیم آموزش ببینند. در عصر ما تعدادی از مدارس دنیا مزرعه دارند و بچه‌ها در یک محیط طبیعی به کشت و کار می‌پردازند و حتی حیوانات خانگی را با ابتکار خود در محیط مدارس پرورش می‌دهند. پس اندازهای کوچک خود را در صندوق مدرسه نگهداری می‌کنند و با استفاده از آن‌ها در پایان دوره تحصیلی به سفرهای علمی در معیت معلمان می‌روند و دستاوردهای مهارتی و کاردستی‌های خود را در معرض دید اولیا به نمایش می‌گذارند. محیط پرجاذبه و خوشایند مدارس جدید پشتوانه‌ای برای خودیابی و شکوفایی استعداد‌های کودکان و نوجوانان است و برای آرایش و پردازش محیط کلاس و مدرسه باید با تفکر و هنرمندی برنامه‌ریزی کرد.

۲-۱۴- همه مدارس باید از نظام راهنمایی و مشاوره برخوردار باشند:

شاید دولت در شرایط فعلی نتواند در مدارس ابتدایی و راهنمایی مشاوره به کار گیرد، اما نباید از نظر دور داشت که مشاوره جزء لاینفک تعلیم و تربیت معاصر است و هر مدرسه‌ای باید از وجود مشاوران آگاه به فنون

شغل دوم می‌کند و آنان وقت چندانی برای پرداختن به مسائل جانبی و مهم تعلیم و تربیت، گفت و گو با دانش‌آموزان و مشارکت در اصلاح روند امور مدرسه به دست نمی‌آورند. باید تدبیری اتخاذ کرد تا معلمان با فراغت خاطر ساعاتی را در مدرسه برای مطالعه و تحقیق و گفت‌وگو با اولیای دانش‌آموزان بر اساس یک برنامه روشن اختصاص دهند و از بابت این حضور حق‌الزحمه دریافت دارند. ارزشیابی فعالیت‌های عملی دانش‌آموزان و اهتمام برای رفع کاستی‌های رفتاری آنان مستلزم دقت نظر و وقت‌گذاری معلمان و مطالعه متون تربیتی توسط آنان است و مدارس باید ظرفیت کافی برای این تحول را فراهم کنند.

۲-۱۳- مدارس باید سیمای آموزشی و الهام‌بخش داشته باشند:

هنوز هم کسانی فکر می‌کنند که مدرسه عبارت است از: "چند کلاس و معلم، مقداری میز و نیمکت و تخته سیاه، آموزش کتب درسی، برگزاری امتحان و اعلام نتایج". این تصور در جهان امروز منسوخ شده است و مدرسه: "محل رشد جامع شخصیت دانش‌آموزان و کانون مشارکت و محل بهره‌وری مطلوب از فناوری آموزشی برای پرورش شهروندان صالح و تواناست." در برخی از کشورها برای هر درس کلاس ثابتی وجود دارد و دانش‌آموزان برای خواندن درس جغرافیا وارد کلاسی می‌شوند که پر از وسایل کمک آموزشی، نقشه، کره، قطب نما و کتب جغرافیایی گوناگون است. برای آموختن فیزیک به کلاسی می‌روند که سیمای یک کارگاه و آزمایشگاه را دارد و در محیطی کاملاً مرتبط با

دانش آموزان خود را متعهد به تحقق یک میثاق عمومی می‌دانند و در سایه یک استراتژی روشن به سمت آینده گام بر می‌دارند. همین احساس مشترک‌المنافع بودن پشتوانه خوبی برای گذر از موانع و فائق آمدن بر مشکلات و افزایش انگیزه کار^۶ و تکاپو در عناصر مدرسه است. فراموش نکنیم که یکی از چالش‌های مهم مدارس دولتی در شرایط فعلی پایین بودن انگیزه کار در برخی از عناصر اصلی مدرسه اعم از معلم، دانش آموز و خانواده است که تا حدی به فقدان انسجام نظام دار در مدارس بر می‌گردد.

مطالعات نشان می‌دهد که پول به تنهایی کارساز و حرکت آفرین نیست، بلکه مدیریت مدرسه باید رسالت کانون تعلیم و تربیت را برای همه عناصر سابق‌الذکر تبیین کند و آنان را به یک باور مشترک برساند. وقتی افراد مؤثر مدرسه به این مرحله رسیدند به صورت خودجوش نقش‌های سازنده خویش را ایفا می‌کنند. وقتی مدرسه بر اساس روش "مدیریت برای عملکرد"^۷ پویا و متحول گردید و هر سه رکن مشارکت در کنار هم در راه دانایی و توانایی فعال شدند و سیستم‌ها همدیگر را یاری کردند، برابند کار رضایت بخش می‌شود و ضریب بهره‌وری افزایش می‌یابد. برای ایجاد هم‌دانی بین خانه و مدرسه، طبعاً گسترش فرهنگ آموزش خانواده با ابتکار مدرسه جایگاه مهمی دارد و میزان تعامل این دو نهاد را بالا می‌برد. اگر جهت‌گیری اولیا، دانش آموزان و معلمان هم‌سو و مکمل همدیگر نباشد بخش عظیمی از سرمایه‌گذاری دولت و مردم به خاطر تناقض‌های جاری از میان می‌رود. مدیریت برای عملکرد دقیقاً به این نکته می‌اندیشد که

مشاوره و راهنمایان کاردان برخوردار باشد و چنانچه دسترسی به این افراد ندارد با برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان از وجود آنان برای گفت و گو با دانش آموزان و رفع کاستی‌های پیشی و رفتاری آن‌ها بهره‌گیرد. راه‌یابی مشاوران به دنیای تلخ و شیرین دانش‌آموزانی که با مشکل مواجه می‌شوند، سرنوشت ساز و تعیین کننده است. تجارب آموزشی نشان می‌دهد که کودکان سرشار از استعدادند و ممکن است در اثر بیماری یا مشکلات خانوادگی دچار اختلال در روند آموزش شوند. مشاوران و معلمان خیره بهترین کسانی‌اند که می‌توانند در راه اصلاح رفتار آنان گام بردارند و اسباب تعادل روانی ایشان را فراهم سازند.

۱۵-۲- مدارس باید در پرتو مدیریت سیستمی از انسجام برخوردار باشند:

عناصر اصلی مدرسه باید پیرو خط مشی واحدی باشند و به صورت منظم و هم‌آهنگ برای تحقق اهداف مشترک تلاش کنند. اگر مدرسه با روش نگرش سیستمی^۸ و با هم‌آهنگی و رویکرد نظام‌مندی اداره گردد و به عنوان یک نهاد آموزشی با کفایت توسط دولت و مردم به رسمیت شناخته شود، در انجام وظایف خود از موفقیت بیشتری برخوردار می‌شود و از تداخل و آشفتگی مصون می‌ماند. باید بین وظایف و اختیارات شوراهای انجمن‌های درون مدارس انسجام، توازن و تناسب وجود داشته باشد و کار هر یک مکمل فعالیت دیگری قلمداد شود.

در مدارس که مدیریت سیستمی رواج دارد همه ارکان مدرسه اعم از معلمان، اولیا و

هر رکنی از ارکان مدرسه باید به استراتژی و برنامه کار مدرسه وفادار و متعهد باشد و همه با هم به سوی تحقق یک رسالت گام بردارند.

۱۶-۲- مدارس باید از پرورش قوه خلاقیت و آفرینش دانش‌آموزان حمایت کنند:

مدارس سنتی متکی به برنامه‌های یک نواخت و کهنه‌اند، در حالی که مدارس نو به آزاداندیشی تمایل دارند و از دستاوردهایی که برخاسته از جرعه‌های فکری است استقبال می‌کنند و بسا تقویت اعتماد به نفس دانش‌آموزان، ابزار و اختیارات مناسبی برای خطر کردن و آزمودن در دسترس آنان قرار می‌دهند. مدارس باید مجال اظهار نظر به دانش‌آموزان بدهند و با تقویت انگیزه‌ها و فراهم آوردن فرصت‌های مناسب زمینه بروز خلاقیت نواندیشان را بارور سازند. حمایت از دانش‌آموزان کنجکاو و پرسشگر و هموار ساختن مسیر پژوهش آنان و ایجاد فرهنگ نوگرایی و تحول آفرینی و نترسیدن از رویارویی با مشکلات، از عوامل شکوفایی قوه خلاقیت در کودکان و نوجوانان به شمار می‌آیند و

مدارس باید به موجب رسالت مهم خود به این موضوع توجه کافی مبذول دارند. تعمیق فرهنگ کتاب‌خوانی، تعریف میدان‌های جدید مشارکت، تقویت روح توکل و اعتماد به نفس، پاسخگویی مکتوب یا حضوری به مسائل و پرسش‌های دانش‌آموزان، اجتناب از تحمیل و تحقیر و توسعه فرهنگ آزاداندیشی، راه را برای پدید آیی فرصت‌های خلاقیت باز می‌کنند. مدارس در پوتر اصلاحات می‌توانند با پرورش روح ابتکار و نوآوری زمینه را برای اکتشافات و اختراعات در آینده فراهم سازند.

امید است با اهتمام صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، حرکت اصلاحات در آموزش و پرورش به سرانجام مطلوبی نایل آید و مقدمات اصلاح مناسبات اجتماعی از رهگذر تحول در مدارس فراهم شود. بدون تردید مشارکت کارشناسان در انتشار مبانی نظری اصلاحات و غور در این موضوع مهم زمینه‌ساز کاهش اشتباهات و اتخاذ راهبردهای درست برای رسیدن به اهداف قلمداد می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- EMPHASIS ON DEVELOPMENT OF THE WHOLE -CHILD EDUCATION
- 2- WHOLE - CLASS TEACHING
- 3- MORAL EDUCATION
- ۴- ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك (آل عمران، ۱۵۹)
- 5- SYSTEM APPROACH
- 6- MOTIVATION TO WORK
- 7- MANAGING FOR PERFORMANCE

